



Research Article

An Analysis of the Concept of Islamic Revolution Norm; from Development to Stability¹

Parviz Jamshidi Mehr

PhD. in Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran
(Corresponding Author). parvizjamshidi1366@gmail.com

Nasibeh Abdipour

PhD. Student, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran,
Iran. Abdipour197@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is an analysis of the speech act and political background in the ideology of Imam Khomeyni. The main research question is what is the relationship between social-political backgrounds and writing texts by Imam Khomeyni. This research attempts to make use of Ibrahim Barzgar's theory in his book, *Politics as the Way and the Theory of Speech Act with Regard to Political Grounds*. Imam Khomeyni initially in some of his books like *Kashf Asrar* followed his speech act for awakening and opposing the passivity of the seminary and people towards current events. In the next stage, his writing and speech gradually shifted to reforming the ideology of kingdom and afterwards, when he did not get any results from this method, he shifted to changing the common norm and developing his norm by writing *Wilayat-i Faqih*, *al-Bay'at*, and so on. In the subsequent stages, by developing and stabilizing the common norm that is Islamic revolution and *Wilayat-i Faqih*, he dealt with system building and institutionalization. The present research relies on the hypothesis that the course of developing Imam Khomeyni's common norm with respect to different grounds, initiated by him through writing various books and dissertations. These attempts became fruitful in the form of Islamic revolution and by scientific endeavors and practical leadership to determine the path of revolution as an upright way for all people.

Keywords: Imam Khomeyni, Islamic Revolution of Iran, Speech Act, Norms, *Wilayat-i Faqih* (Guardianship of the Islamic Jurist), Islamic Civilization.

1. Received: 2021/06/10 ; Accepted: 2021/06/21

Copyright © the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>





تحلیل مفهوم هنجار انقلاب اسلامی؛ از تکوین تا تثبیت^۱

پرویز جمشیدی مهر

دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
parvizjamshidi1366@gmail.com

نصیبه عبدی پور

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Abdipour197@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل کنش گفتاری و زمینه سیاسی در اندیشه امام خمینی می باشد. سوال اصلی این است که چه ارتباطی میان زمینه‌های اجتماعی- سیاسی و نگارش متون توسط امام خمینی وجود دارد. در این پژوهش تلاش شده است تا از نظریه ابراهیم برزگر مأخذ از کتاب سیاست به‌مثابه صراط و نظریه کنش گفتاری با توجه به زمینه‌های سیاسی استفاده شود. امام خمینی در ابتدا با کتاب‌هایی مانند کشف اسرار، کنش گفتاری خود را در جهت بیدار کردن، مخالفت با انفعال حوزه و مردم نسبت به وقایع روز دنبال کردند. در مراحل بعد گفتار و نوشتار ایشان به تدریج سعی در اصلاح ایدئولوژی سلطنت و با عدم نتیجه گرفتن با این روش به سوی تغییر هنجار مرسوم و تکوین هنجار خویش با نگارش کتاب‌های ولایت فقیه، البیع و... تغییر جهت یافت. در مراحل بعد با تکوین و تثبیت هنجار مرسوم یعنی حکومت اسلامی و ولایت فقیه، به نظام‌سازی و نهادسازی پرداختند. پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که سیر تکوین هنجار مرسوم امام خمینی با توجه به زمینه‌های مختلف توسط ایشان و با نگارش کتاب‌ها و رساله‌های مختلف آغاز گردید. این تلاش‌ها در قالب انقلاب اسلامی، با مجاهدت‌های علمی و رهبری عملی به بار نشست و مسیر انقلاب را به عنوان یک صراط مستقیم برای همگان مشخص کردند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران، کنش گفتاری، هنجارها، ولایت فقیه، تمدن اسلامی.

۱. مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تمام مسیر نظریه‌پردازی انقلاب‌ها را به چالش کشاند، به طوری که بسیاری از اندیشمندان مجبور به تجدیدنظر در ایده‌های خود شدند. انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی، سلطه غرب و شرق را به مبارزه طلبید و موجبات اعتماد به نفس و روحیه خودباوری در میان نهضت‌های آزادی‌بخش جهان و جنبش‌های اسلامی گردید. زبان سهل و انتخاب واژگان مناسب و عامه فهم همراه با شخصیت کاریزماتیک امام خمینی، نفوذ سخنان ایشان را دوچندان نمود و کنش گفتاری خویش را در جهت تغییر وضع موجود از یک سو و طراحی آرمان مطلوب از سوی دیگر سامان داد. اگر بپذیریم که آثار و گفتار هر نویسنده، پاسخی به سؤالات، مشکلات و دغدغه‌های عصر خود است، بنابراین، لازمه شناخت هر اثر سیاسی، شناخت سؤالات و مشکلات رایج آن عصر می‌باشد. به منظور شناخت بهتر گفتمان سیاسی غالب هر جامعه‌ای باید سنت، عرف، اصول و هنجارهای مرسوم و مسلط بر استدلال سیاسی حاکم بر آن دوره را مورد بررسی قرار داد (صیدانلو، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

در این راستا، هدف پژوهش حاضر این است تا فرآیند مبارزه و تکوین انقلاب اسلامی را با توجه به کنش گفتاری و رویکرد کتاب سیاست به مثابه صراط آقای ابراهیم برزگر با اشاره به نظریه‌های امام خمینی، تا پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

۲. پیشینه تحقیق

پناهی (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی براساس شعارهای انقلاب، به بررسی واژگان و شعارهای مطرح شده در فرآیند مبارزه با رژیم پهلوی پرداخته و مهم‌ترین اهداف مبارزه را اولویت‌های فرهنگی و سیاسی می‌داند.

روحي (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران نشان داد که ایدئولوژی و نرم‌افزار شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران، مذهب است.

تقی‌لو (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان مشروطیت و جمهوری اسلامی: نظریه سیاسی شیعه در گذار از تقابل سنت و تجدد، به بررسی مبانی تاریخی نظریه سیاسی علمای شیعه همچون آیت‌الله نائینی و امام خمینی، با روش تفسیری و جامعه‌شناسی ماکس شلر^۱ می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که نظریه سیاسی شیعه در فرایندی از تقابل میان ظاهرگرایی سنت‌گرایانه از یک سو و تجددگرایانه از طرف دیگر به

1. Max Ferdinand Scheler

سوی پیوند میان دین و مردم‌سالاری در حرکت بوده است.

بصیری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با موضوع اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران به بررسی چگونگی شکل‌گیری و رشد اندیشه سیاسی اسلام و نحوه تأثیر آن بر انقلاب اسلامی پرداختند. برزگر (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان اندیشه سیاسی امام خمینی، سیاست به‌مثابه صراط، به واکاوی مفهوم صراط در اندیشه امام خمینی پرداخته و با توجه به گفتمان ایشان، مصادیق صراط را در نظام فکری این متفکر نشان داده‌اند. تفاوت و تمایز پژوهش حاضر با نمونه‌های مشابه، در ارتباط متون دینی و نگاه هرمنوتیکی می‌باشد که در نوع خود بدیع و جدید است. یافته‌های این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که اقدامات رژیم پهلوی موجب شکل‌گیری و رشد اندیشه سیاسی اسلام شده و به‌تبع آن بر فرآیند انقلاب تأثیر گذاشت. اهمیت و ارزش این پژوهش در مقایسه و تمایز با نمونه‌های مشابه، در نوع نگاه زمینه‌یابی، کنش‌گفتاری، شرایط زمانی و تاریخی مورد بررسی است. امام خمینی ضمن توجه به شرایط و زمینه‌های تاریخی، با هوشمندی تمام، تألیفات خویش را با هدف تغییر هنجار مرسوم زمانه به رشته تحریر درآورده و همچنین سیاست‌های متناسب با رخداد‌های روز را اتخاذ و اجرا نمودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، کنش‌گفتاری امام خمینی رنگ و بوی تثبیت برای نظام گرفت.

۳. چارچوب نظری: انقلاب به‌مثابه صراط

در نیمه دوم قرن بیستم، گرایش به متون و نقش آنها در اندیشه سیاسی روبه فزونی گرفت و کاربرد زبان در وجه کاربردی آن مورد توجه واقع شد. در بسیاری از موارد واژگان مشابه برای اقدامات عملی متفاوت بکار گرفته می‌شوند (Austin, 1975, P.8). از مهم‌ترین نویسندگان این حوزه ویتگنشتاین^۱ متأخر می‌باشد که معتقد است کاربرد زبان یک اصطلاحی است که با شرایط خاص و محیطی که در آن گفته یا نوشته می‌شود، ارتباط دارد (Wittgenstein & Santos, 1994, P.58). به هر حال زبان، باستانی‌ترین دستگاه اقناع است. توانایی استفاده از منابع زبانی مطابق با نیازهای هر نوع ارتباط، مهارت مهمی در دستیابی به اهداف شخصی یا عمومی می‌باشد.

در واقع یک امر که به درستی تفسیر شده باشد می‌تواند به عنوان شاخص روشنی برای مفاهیم موردنظر بوده (Searle & Searle, 1969, P.15) و گفتار سیاسی منتج از آن مردم را به انجام یا عدم انجام کاری وادارد (David, 2014, P.164). سرل و جان آستین و بعد از آن کوئینتن اسکینر^۲ نیز بر

1. Wittgenstein

2. Quentin Skinner

کنش گفتاری نویسنده تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب که هر اثر هنری با هر نوع گرایشی، عملاً دارای پیچیدگی ذاتی قابل توجهی خواهد بود و از ابزارهایی چون طنز، تلمیح، کنایه و طیف گسترده‌ای از تأثیرات نمادی و تمثیلی استفاده می‌شود (Skinner, 2004, P.69). از این‌رو افرادی مانند اسکینر که متأثر از کنش گفتاری جان آستین می‌باشد، معتقد است که برای رسیدن و بازسازی معنای اصلی متن نباید نیت و انگیزه نویسنده را نادیده گرفت (Skinner, 2002, P.96). از نظر وی، تاریخ یک متن را از نظر هدف متن در نظر نمی‌گیرد، بلکه به لحاظ منبع تاریخی به آن می‌نگرد که با استفاده از آن برای فهمیدن متن به هیچ وجه قصد گفتن ندارد و منبع تاریخی همه نیت و قصد متن را بیان نکرده و ما به هیچ وجه نمی‌توانیم همه آنچه را بیان کرده، پیدا کنیم، زیرا تفاوت قصد، فقط مربوط به هر متنی به طور انحصاری می‌باشد (Gadamer, 2004, P.325, 334). از سوی دیگر، به نظر برخی از متفکران و با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از نوشته‌های تاریخی مدرن اولیه کاملاً عقیدتی بود، به این معنا که برای حمایت از عقاید خاصی به نگارش درآمده‌اند (Giannakopoulos, Weinsheimer & Marshall, 2012, P.6-18)، فهم قصد و نیت اصلی نویسنده کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

همان‌طور که اشاره شد، در یکی از مهم‌ترین آثاری که به کنش گفتاری و فهم اندیشه سیاسی متفکر از راه متن پرداخته شده، کتاب ابراهیم برزگر با عنوان «اندیشه سیاسی امام خمینی، سیاست به‌مثابه صراط» است که به بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی با توجه به محتوای متون گفتاری و نوشتاری ایشان می‌پردازد.

مؤلف در این کتاب معتقد است که زبان سیاست دارای زبان عبارت و زبان اشاره است. ایشان بر این باورند که در زبان سیاسی می‌توان شاهد سیر تحول مشابهی نظیر زبان عرفانی بود، یعنی بررسی کرد که چه الفاظی از الفاظ قرآن در زبان سیاسی حفظ شده و چه واژگانی متحول شده و حاصل نوآوری سالک و متفکر است. در زبان عرفانی ابتدا صرفاً متن قرآن تفسیر می‌شود، در مرحله بعدی لباس قرآنی حفظ، اما معنای جدیدی در آن دمیده می‌شود و توسعه معنایی پیدا می‌کند (برزگر، ۱۳۹۳، ص ۹۹).

لازم به ذکر است در اینجا منظور از متن، هر چیزی است که دارای ظرفیت پیامی برای مخاطب بوده و معنای عام متن مورد نظر می‌باشد. اندیشه سیاسی امام خمینی با توجه به زمینه‌های سیاسی و حوادثی که در طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب رخ داد، شکل منسجمی به خود گرفته و حتی دورنمای راه انقلاب را با تدوین و طراحی نظریات مختلف که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم، مشخص نموده‌اند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا نظریه صراط آقای ابراهیم برزگر در کتاب سیاست به‌مثابه صراط گسترش داده شده و به فرآیند تاریخی تکوین و تثبیت هنجار انقلاب توسط امام خمینی پرداخته

شود. به عبارت دیگر، صراط در اینجا با واژه انقلاب پیوند می‌خورد و در کوران حوادث مختلف ضمن نشان دادن بیراهه‌ها، کج‌روی‌ها و آسیب‌ها با رهبری مدبرانه به حیات خویش ادامه داده است.

۴. تغییر هنجار مرسوم سلطنت

قبل از هر چیز باید توجه داشت که مهم‌ترین دغدغه فقه سیاسی شیعه از صفویه تا انقلاب اسلامی، ارائه تئوری سیاسی، به‌ویژه تئوری ولایت فقیه بوده است، اما تئوری‌های مذکور در هیچ یک از گرایش‌ها و مکتب‌های فقهی نتوانستند در امر نظام‌سازی موفق شوند. لازم به ذکر است نخستین بار در زمان نهضت مشروطه بود که این تئوری در معرض نظام‌سازی قرار گرفت که هرچند به لحاظ نظری قدمی مثبت در این حوزه تلقی می‌شود، اما در حوزه عملی به دلایل سیاسی - اجتماعی نتوانست موفقیت زیادی کسب نماید. در نهایت با وقوع انقلاب اسلامی، دغدغه مذکور به فعلیت رسید و برای اولین بار در تجربه جمهوری اسلامی ایران، آموزه‌ها و تئوری‌های اسلامی با اقدامی متفاوت با آنچه در نظام سیاسی در جهان اسلام مرسوم بود، وارد چرخه زندگی مسلمین شد.

از مهم‌ترین هنجار مرسوم در حیات امام خمینی، سلطنت پهلوی بود. در این زمینه، رضا شاه پس از رسیدن به مقام افسری، شروع به فراگیری خواندن و نوشتن کرد، اما در اصل سوادی نداشت و برای مستحکم کردن تخت سلطنت خود در پی یافتن مشروعیتی بود که می‌تواند جای پادشاهی موروثی را بگیرد. این کار را به چند طریق انجام داد و بدین منظور به مرحله پیشین تاریخ ایران نظر افکند و برای دودمان خود یک نام قبل از تاریخ اسلامی یعنی پهلوی را برگزید و همچنین نام کشور را از پرسیا یا پرشیا به ایران تبدیل کرد (هیکل، ۱۳۶۲، ص ۶۷). در واقع شاهان سلسله‌ی پهلوی ناسیونالیسم ایرانی قبل از اسلام را به عنوان زیربنای یک نظام پادشاهی خود و دارای وجه ضد روحانیت انتخاب کردند. به موازات رشد تجددخواهی و غرب‌گرایی در ایران، مفاسد غرب‌گرایی بی‌حد و حصر رژیم شاهنشاهی بیش از پیش آشکار می‌گردید (Keddie & Richard, 2006, P.305). پس از رضاشاه فرزندش نیز رویه پدر را ادامه داد و به مدد حمایت بیگانگان در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فرآیند تمرکز قدرت توسط وی شدت یافت و در واقعیت امر به عنوان یک دیکتاتور سرکوب‌گر و تحت سلطه ایالات متحده بود (Foran, 2005, P.85). به همین علت است که از لحاظ نمادین نیز شاه بر شکوه و افتخارات ایران قبل از اسلام، آیین‌های پدرمآبانه اقتدار، نفی دموکراسی کارا و بر وحدت مستقیم پررمز و راز شاه و مردم تأکید زیادی داشت (فوران، ۱۳۷۷، ص ۴۶۹). به هر حال، اندکی پس از امضای فرمان مشروطیت و با گذشت تقریباً پانزده سال، گفتمانی در عرصه سیاسی ایران ظهور یافت که متفاوت از گفتمان متجددین

مشروطه بود. در این هنگامه و پس از کودتای ۱۲۹۹ و تکمیل آن با آرای مجالس پنجم و مؤسسان در سال ۱۳۰۴، رضاخان توانست خود را به عنوان پادشاه ایران مطرح کند. نقطه مرکزی ایدئولوژی دوره مذکور را «شاه» یا «مقام سلطنت» تشکیل می‌دهد. از دیگر نشانه‌های این هنجار مرسوم می‌توان به ناسیونالیسم باستان‌گرا، ارتش، دربار، سکولاریسم، پاتریمونیالیسم، رویکرد سلبی به اسلام و روحانیت، دولت نیرومند، مخالفت با طبقات و اشرافیت سنتی، غرب‌گرایی و... اشاره کرد (رضایی‌پناه و ایزدی، ۱۳۹۲، ص ۳۷).

در واقع موقعیت سلطنت استبدادی، در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ به دلیل وابستگی به آمریکا، تابع موقعیت جهانی و سیاست‌های آمریکا بود. از نظر شاه آمریکا باید کمک‌کننده به ایجاد حکومتی باشد که در مدت زیادی ثبات را در منطقه ایجاد کرده است (Ledeen & Lewis, 1980, P. 58). به همین دلیل شاه طی روزهای مختلف، سیاست‌هایی از طرف سفارت آمریکا و انگلیس دریافت می‌کرد و آنها را انجام می‌داد (سولیوان و پارسونز، ۱۳۷۳، ص ۲۸۵). به هر حال در دوره پهلوی دوم که با موفقیت شاه در براندازی مصدق و بازگشت به قدرت و تغییراتی مهم در عرصه سیاست خارجی همراه بود، عنصر اساسی سیاست خارجی جدید شاه را هم‌سویی و همبستگی بیشتر با کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و انگلستان تشکیل می‌داد (ازغندی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۱).

افکاری که با روی کار آمدن حکومت پهلوی اول، تا حدی به آنها جامه عمل پوشانده شد. به همین دلیل است که می‌توان نتیجه گرفت که از مهم‌ترین هنجارهایی که حکومت پهلوی بر روی آن مانور می‌داد، تجدد بود. در واقع قدرت سیاسی رضاشاه در ایران سرعت زیادی به فرایند مدرنیته اقتدارطلبانه داد و در طی آن کشور تحت طرحی بنیادین و اساسی در مسیر اصلاحات سکولار قرار گرفت و در نتیجه آن ساختار سنتی سیاست در ایران دچار تغییرات گسترده‌ای گردید (رضایی‌پناه و ایزدی، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

به عبارت دیگر، در ایران پس از کودتای ۱۳۳۲ و به دنبال آن سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امکان مبارزه مسالمت‌آمیز برای تمام نیروها از جمله مارکسیست‌ها، سوسیالیست‌ها، لیبرال‌ها و حتی مذهبی‌ها از بین رفت. این واقعه هم‌زمان با رشد بنیادگرایی مذهبی و قومی، بازگشت به سنت و مذهب که از مدت‌ها پیش در خاورمیانه آغاز شده بود، رخ داد. در حالی که امکان فعالیت از نهادهای وابسته به جریان‌های سیاسی منتقد از سوی نیروهای انتظامی بسته شده بود و حتی مبارزه مسلحانه و زیرزمینی مخالفین چپ‌گرا (فدائیان و مجاهدین خلق) در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به شکست انجامید و

ساختارهای سنتی که مذهب در قالب آنها با مردم در ارتباط بودند - منابر و مساجد - به مراکز مهم مخالفت مستقیم و غیرمستقیم با نظام تبدیل شده بودند. به عبارتی ضمن اینکه مدرنیسم پهلوی هنوز نهادینه نشده بود، زمزمه بازگشت به مذهب و سنت اسلامی نمایان شد. در این میان هرچه رژیم به بن‌بست سیاسی در سال‌های ۱۳۵۵ نزدیک می‌شد، ناتوانی مخالفان قدیمی از سازماندهی مخالفان و نفوذ در مجاری دولتی برای انتقال خواسته‌های عمومی به نهادهای مربوطه به تدریج آشکار گردید. از طرف دیگر، مخالفان چپ‌گرا و لیبرال به جای هماهنگی در مبارزه با رژیم، به دام اختلافات درون‌گروهی افتادند و گروه‌های مخالف تا بهمن ۱۳۵۷ همگی در اطراف آیت‌الله خمینی گرد آمدند (هرسیج و حسینی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۹). این تغییر جهت توسط امام خمینی باعث توجه به ابعاد انقلابی فقه سیاسی شیعه گردید و توانست هویت جدیدی را ایجاد کند که در تاریخ تشیع بی‌سابقه بود.

۵. نظریه ولایت فقیه

پس از هدف قرار دادن هنجار مرسوم سلطنت توسط امام خمینی، در فرایندی زمان‌مند و متناسب با زمینه‌های مختلف نظریه ولایت فقیه توسط ایشان سازماندهی گردید. در همین رابطه آقای برزگر در کتاب خویش صراط را در دو محور کلان اندیشه سیاسی و زبان سیاسی امام خمینی مطرح می‌کند (برزگر، ۱۳۹۳، ص ۱۱). آنچه در ادامه رویکرد کتاب سیاست به مثابه صراط اتخاذ شده، توجه فرآیندی به زمینه‌های سیاسی در جریان مسیر انقلاب و سیاست متناسب با این زمینه‌ها است.

به نظر اسکینر^۱، مؤلف هرچه می‌نویسد، نوعی کنش گفتاری بوده که با قصد تایید، تکذیب یا تضعیف و برهم زدن یا هدایت داشته است (برزگر، ۱۳۹۳، ص ۳۷). لازم به ذکر است که از زمان فتحعلی‌شاه به بعد، به دلیل افتتاح روابط با دولت‌های اروپایی و انتشار اخبار انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ اروپا در ایران، به تدریج افکار و عقاید جدید سیاسی در ایران ظهور کرد و محیط اجتماعی تا حدی برای رشد و نمو افکار تازه آماده گردید و مردان بزرگی در آن دوره ظهور یافتند که آراء و عقاید سیاسی و اجتماعی آنها در روشن کردن افکار عمومی و آماده‌سازی جامعه برای یک جنبش و نهضت سیاسی - اجتماعی بسیار مؤثر بود (شمیم، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵).

به نظر می‌رسد که استبداد پهلوی اول و دوم برای اجرای سیاست‌های نوسازی آمرانه غرب‌گرایانه خود در گام اول موجب تضعیف اصول قانون اساسی مشروطه و جایگاه فقه‌های شیعه گردید و در مرحله

بعد با تقلید از الگوی غربی آتاتورک در ترکیه، دو هدف اصلی سکولاریسم و ناسیونالیسم قومی - نژادی را به عنوان راهنمای سیاست خود برای آینده کشور مورد تأکید قرار می داد. در واقع اجرای سیاست‌هایی مانند کشف حجاب و متحدالشکل سازی لباس به سبک کشورهای غربی در دوره حکومت رضاخان، حذف شرط سوگند به قرآن در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱، حذف قید اسلام از شرایط شرکت و نامزد شدن در انتخابات، طرح‌هایی مانند انقلاب سفید، کاپیتولاسیون و تلاش برای تضعیف نقش علما در سیاست از جمله عواملی می‌باشند که زمینه را برای حضور علما و مخالفت ایشان فراهم نمود. به عبارت دیگر، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ریشه در مقابله با الگوی نوسازی منبعث از الگوی سکولاریسم و ناسیونالیسم بوده و واکنشی در برابر ادعای تجددگرایان سکولار داشت که اعتقاد داشتند اسلام قادر به ارائه الگوی نظم سیاسی - اجتماعی مدرن نیست و باید از این عرصه‌ها کنار گذاشته شود (تقی‌لو، ۱۳۹۴، ص ۷۹).

در همین ارتباط و با رحلت آیت‌الله بروجردی و خلاء ناشی از عدم حضور ایشان، رژیم را به این نتیجه رساند که فرصت مناسبی برای اجرای سیاست‌های ضد دینی فراهم آمده است. در همین راستا طرح‌هایی مانند انقلاب سفید، اصلاحات ارضی و قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به اجرا گذاشت که موضع‌گیری امام خمینی را در پی داشت. امام خمینی روند خود را در لزوم بازگشت جهان به اسلام، دربرگیرنده دو مرحله می‌دانند: اولین مرحله تخلیه به معنی خلاص شدن از دست اندیشه‌ها و اعمال منسوخ می‌باشد و دوم تخلیه به معنی پروسه شیرین کردن و افزودن چیزهای جدید است. از جمله اندیشه‌هایی که می‌بایست به وسیله تخلیه دور ریخته شود، اندیشه تقیه است که امام خمینی ابتدا آن را حرام اعلام کرد و آنچه در مرحله بعد مهم‌تر به نظر می‌رسد، تخلیه است که حکایت از نوآوری و تغییر دارد (هیكل، ۱۳۶۲، ص ۲۴۷).

بدین ترتیب، نگارش کتاب کشف اسرار امام خمینی در سال ۱۳۲۳ نشان‌دهنده عدم پذیرش شرایط موجود آن زمان می‌باشد و نویسنده در تلاش بوده تا وضع موجود را تا حدی حتی خیلی اندک تغییر دهد. به عبارت دیگر امام خمینی پس از رکود نسبی که به دنبال وقایع مشروطه و استبداد پهلوی اول در میان روحانیون ایجاد شده بود، بار دیگر آغاز جدی فعالیت علمای اسلام و حوزه را با نگارش کتاب مذکور آغاز نمود. البته در جریان لغو امتیاز تنباکو و تجاوز روسیه به ایران در دوره حکومت فتحعلی شاه، علما که خود را نماینده ملت می‌دانستند، واکنش شدیدی نشان دادند و موجب شد که آنان هم با استبداد داخلی و هم با تجاوزات خارجی مقابله کنند (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۵۷).

در واقع، مرجعیت شیعه پس از مشاهده نتایج حرکات خود در مشروطه یک حرکت سیاسی فعال از

خود نشان نداد و بیشتر به موضع‌گیری‌های مقطعی بسنده کرد. در صورتی که در حرکت سال ۴۲، مرجعیت شیعه بار دیگر یک حرکت گسترده را شکل داد و رهبری آن را نیز مستقیماً خود عهده‌دار شد. حرکت امام خمینی در این سال باعث شد که برخلاف رویه‌های سابق گروه‌های مذهبی و غیرمذهبی، رویارویی با اصل نظام مورد توجه قرار گیرد و همچنین شعار مبارزه با امپریالیسم به معنای وسیع آن شامل کشورهای آمریکا، شوروی، انگلستان و رژیم صهیونیستی نیز مورد توجه واقع شود. در واقع تأثیری که حرکت امام خمینی بر گروه‌های مخالف، به‌ویژه روشنفکران که رقیب سنتی گروه‌های مذهبی بودند، گذاشت چنان قوی بود که آنان را ناگزیر از توجه به مذهب نمود (پارسا، ۱۳۸۰، ص ۳۰۷). در همین زمینه امام خمینی در زمان تبعید در ترکیه به نگارش کتاب تحریر الوسیله پرداختند که بر توضیح فتاوی فقهی به نفی ظلم و ستم و بر حرمت سکوت علمای دین و لزوم اظهار حقایق توسط آنان تأکید می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۴۳۴).

امام خمینی در کتاب کشف اسرار معتقدند حکومت بعد از صدر اسلام به سمت سلطنت حرکت نمود و ویژگی‌های اصیل اسلامی خود را از دست داد. ایشان در این باره می‌فرمایند: ما باید طرز حکومت اسلامی و روش زمامداران اسلام را در صدر اسلام بیان کنیم. بگوییم که دارالاماره و دکه القضای او در گوشه مسجد قرار داشت و دامنه حکومتش تا ایران، مصر، حجاز و یمن گسترش داشت. متأسفانه وقتی حکومت به طبقات بعدی رسید، طرز حکومت تبدیل به سلطنت و بدتر از سلطنت شد (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۹). البته فقه سیاسی شیعه نیز به مشروعیت حکومت‌های ظالم فتوا نداده است. هرچند در برهه‌هایی از تاریخ فقه شیعه از طریق تعامل، تدافع و تهاجم با این حکومت‌ها همکاری داشته است. اما قابلیت فقه از یک‌سو و موقعیت‌شناسی فقهای شیعه از سوی دیگر موجب شد که این جریان بتواند با گذار از مدل‌های نامشروع حکمرانی و پیوند هویتی و دینی در میان مردم ابتدا از حاشیه تحولات سیاسی به متن آن نفوذ کرده و با وقوع انقلاب اسلامی از متن تحولات اجتماعی-سیاسی به رأس هرم قدرت سیاسی مشروع دست‌یافته و تئوری ولایت فقیه به نظام سیاسی تبدیل گردید (طاهری و حکمی شلمزاری، ۱۳۹۶، ص ۷۶). به طور کلی اسلام سیاسی در ایران براساس تفکر شیعی شکل گرفته است، یعنی زمینه‌های عقل‌گرایی موجود در تفکر غالب شیعی، امکان جذب مفاهیم و عناصر جدید را فراهم کرده است. عناصری مانند تفکر عقلانی و امکان بازنگری در فهم و تفسیر آموزه‌های دینی، باز بودن باب اجتهاد و نقش مکان و زمان در آن، خطاپذیری اجتهاد و امکان جذب مفاهیم جدید و منطقه الفراغ که شرایط جذب ایده‌های نو را مهیا کرده است. به هر حال تفکر شیعه در

طول تاریخ براساس اصل امامت شکل گرفته، اما برخی زمینه‌های تحول در درون آن نهادینه شده است (بهرزلیک، ۱۳۷۴، ص ۸۰).

به همین علت از انقلاب اسلامی و با توجه به زمینه‌های سیاسی - اجتماعی مانند ورود به حوزه قانون‌گذاری، برپا داشتن و اجرای حدود الهی و عملی کردن اصل مشورت و... جنبه‌های مختلف فقه سیاسی تشیع دستخوش تحول و دگرگونی گردید. تغییراتی مانند تلاش برای رسیدن به دانش مستقل فقه سیاسی، ارائه گزینه بدیل قدرت، سعی در پویایی فقه سیاسی، توجه به اصل مصلحت نظام اسلامی، پذیرش حوزه عرف در کنار شرع و همچنین گذار از فقه فردی به سمت فقه جمعی از جمله مواردی است که تحول فقه سیاسی شیعه را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، فقه سیاسی شیعه در فرایند پرسش و پاسخ با جامعه و مسائل آن درگیر بوده و در این راه فقیه همواره با روش اجتهادی خویش به نصوص دینی و عقلی، در تلاش است تا به مسائل جدید پیش آمده پاسخ گوید (سیدباقری، ۱۳۹۶، ص ۸۰).

در واقع، تشیع بر اثر تکیه بر اصولی مانند وحدت دین و سیاست، عدم تجزیه رهبری دینی و سیاسی (امامت) کلیه حکومت‌هایی که از اسلام ریشه نگیرد و بر اسلام استوار نباشد را غیرقانونی و غیراسلامی به حساب می‌آورد. به همین دلیل شیعه در زمان حضور معصوم، رهبری امت را ابتدا در پیامبر (ص) محدود کرده و از طریق وی به امامان منتقل می‌کند. در زمان غیبت معصوم، رهبری به نمایندگان واجد شرایط آنان یا علمای فقیه تعلق دارد (عزتی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۳). اما با قرار گرفتن گفتمان امام خمینی در برابر گفتمان مسلط دوره پهلوی و آغاز مبارزه مستقیم علیه آن رژیم، ایدئولوژی آن نیز مورد مخالفت قرار گرفت. امام خمینی در طی سال‌های قبل از انقلاب در سایه تفسیر جدیدی که از اسلام سیاسی ارائه داد توانست راهی را ایجاد کند که در آن مجموعه‌ای از مفاهیم برگرفته شده از سنت اسلامی و تجدد را که تا آن زمان ارتباط خاصی با هم نداشتند، در کنار یکدیگر قرار بگیرند و در سال ۱۳۵۷ به عنوان گفتمان فقه‌ای شناخته شد. این گفتمان توانست فضایی را فراهم کند که در آن این مفاهیم به هم چسبیده شوند که در آن بسیاری از گروه‌های سیاسی فعال در فضای ایجاد شده، آرزوهای خود را عملی کنند. در واقع هنجار اسلام فقه‌ای در فضای استعاری خاصی سنت و تجدد را در کنار هم گذاشت، به طوری که تناقضات آنها کم‌تر هویدا شوند. هنجار مرسوم جدید از سه جهت باید مدنظر قرار گیرد:

اول. در یک فضای استعاری سنت و تجدد در کنار هم قرار گرفتند که در این میان خیلی از

گفتمان‌های سیاسی از مشروطه به بعد قادر به انجام این کار نبودند.

دوم. امام خمینی به عنوان رهبر کاریزماتیک توانست هویتی یکپارچه به ایرانیان داده و توده‌ها و سایر

اقتدار مردم را جذب کنند.

سوم. سه گفتمان لیبرال، سکولار، سوسیالیست و مارکسیست در کوران مبارزه به شاخه تجددگرایی گفتمان اسلام فقه‌ای نزدیک‌تر شده و تا فروپاشی گفتمان پهلوی این فرایند ادامه پیدا کرد (جمشیدی، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

امام خمینی تمامی جریان‌های غرب‌گرا در داخل کشور و گفتمان پهلوی را نفی کرده و حتی تمامی گرایش‌های لیبرالی یا سوسیالیستی و التقاطی را برای ایجاد ائتلاف نپذیرفت و بر وجه متمایز نهضت اسلامی از سایر گرایش‌های غیراسلامی تأکید کرد. ایشان بر این باورند که حکومت اسلامی نشان‌دهنده جنبه‌های عملیاتی فقه شیعه در برخورد با تمامی معضلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (سید باقری، ۱۳۹۶، ص ۸۱). امام خمینی پس از استعفای دولت موقت بازرگان که گرایش لیبرالی داشت و به نهضت آزادی هم وابسته بود، انتصاب مهندس بازرگان را به توصیه برخی یاران دانسته و اظهار داشت که انقلاب اسلامی مدیون هیچ حرکت یا گروهی نیست. امام خمینی در مراحل تکوین ایدئولوژی اسلامی با گروه‌های اسلامی متحجر، التقاطی و آنچه که وی آنان را اسلام آمریکایی می‌نامیدند، مبارزه و مخالفت می‌کردند (بهرروز لک، ۱۳۷۴، ص ۱۶۲). این مخالفت حتی به فراسوی مرزهای کشور رسید.

۶. پیروزی انقلاب اسلامی تکوین و تثبیت نظریه امام خمینی

با توجه به آنچه اشاره شد، امام خمینی به عنوان مؤلفی که شرایط موجود را نپذیرفتند، دست به قلم بردند و سپس در فرایندی طولانی مدت، با گفتار خود و در طی سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و کتب متعدد، هنجار مرسوم زمانه را مورد هدف قرار داده و همزمان آلترناتیو خویش که رکن اصلی آن تدوین نظریه ولایت فقیه می‌باشد را طرح نمودند. در ساحت نظری که امام خمینی برای فهم انقلاب معرفی می‌کنند، انقلاب اسلامی به مثابه یک تحول اجتماعی منحصر به دیگر تحولات اجتماعی نسبت داده نمی‌شود و پای انقلاب انفسی و درونی به میان می‌آید (نامخواه، ۱۳۹۴، ص ۱۵۰). در واقع امام خمینی در نظریه انقلابی خود برخلاف نظریه‌های مدرن که انقلاب را صرفاً از عوامل بیرونی می‌دانند، بر عوامل درونی و تحول بنیادین انسان‌ها تأکید می‌کند. به سخن دیگر، امام خمینی به دلیل تأکید بر عنصر معنویت در عصر عقلانیت خودبنیاد اومانستی، مسیر جدیدی به فرایند انقلاب‌ها عرضه نمود.

توجه امام خمینی در مسیر انقلاب و پس از پیروزی به مؤلفه‌هایی مانند رشد اندیشه دینی و بینش متعالی، اصالت‌بخشی به عبودیت خداوند، عدم تقیّه در بروز خطر جدی برای احکام اسلام و ضروریات دین، ایفای نقش در تعیین سرنوشت، به کارگیری شیوه‌های بهینه و مؤثر تبلیغی، در راه بیان

هدف و نیل به آن بکار گرفته شد. در واقع با انقلاب اسلامی ایران بیشتر مسلمانان متمایل شده‌اند که هویت سیاسی خویش را در جامعه دینی بیابند (Lewis, 2018, P.29). برای مثال حزب الله لبنان پس از مقابله نظامی با اسرائیل و غرب وارد مرحله جدیدی به نام جهاد سیاسی شده است. این حزب در تلاش است تا مدلی از نظریه سیاسی انقلاب ایران را وارد سیستم سیاسی لبنان کند (Hamzeh, 1993, P. 328).

لازم به ذکر است که در فقه سیاسی شیعه، دو نتیجه وجود دارد که ممکن است از عدم مشروعیت قدرت موجود حاصل شود. یکی در جهت سکوت و دیگری در جهت اقدام انقلابی جلوه‌گر است. یکی از آموزه‌های مهم تشیع که در راستای سکوت و آرامش عمل می‌کرد (تقیّه)، حفظ جامعه از طریق خودتأثیرگذاری مجازی آن به معنای سیاسی بود. پس از غیبت معصوم، هر دو گزینه باز بود، ساکت بودن یا اقدام انقلابی. تحت تأثیر شرایط خاص، به طور تدریجی دوره دوم انتخاب شد (Algar, 1983, P.18).

اگرچه نیروهای مخالف رژیم تحت عنوان مدرنیته در فرآیند مبارزه مشارکت داشتند، اما ایدئولوژی اسلام در رشد و گسترش جنبش نقش اصلی را برعهده داشت (Ayubi, 2003, P.112) و انقلابی را بوجود آورد که تمام پیش‌بینی‌های غرب را از بین برد. به طوری که این را از خاطره و یادداشت‌های تاریخی آمریکا خط زد که آنها عمق ایران و انقلاب اسلامی آن را به خوبی نتوانستند بفهمند (Murray, 2009, P.143). در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهان وسعت حضور مردم از طبقات مختلف، رهبری واحد در قبل و بعد از پیروزی و ایدئولوژی جایگزین متفاوت و متمایز است. با توجه به آنچه گذشت می‌توان به این مهم پی برد که امام خمینی صراط در حکومت پهلوی را انحرافی دانستند و با کنش گفتاری خویش ضمن نشان دادن ابعاد مختلف این صراط، راه، صراط اصلی و درست را مشخص نموده و با انقلاب ۵۷ در عرصه عمل پیاده نمودند.

از نظر اسکینر همه چیز نیت‌مند و در چارچوب کنش گفتاری است. رهیافت وی در بررسی اندیشه سیاسی کنش گفتاری می‌باشد. گفتاری است که گوینده را به انجام عملی انجام نشده متعهد می‌کند. قولی است که فرد را به انجام دادن عمل متعهد می‌کند و در عین حال کار فیزیکی انجام نشده یا هنوز انجام نشده است. رد کردن، پذیرفتن و مقابله کردن و ارائه راه و طریق، همگی اشکال کنش گفتاری است. آقای برزگر در پژوهش خویش صراط را نوعی کنش گفتاری هدایت دانسته است (برزگر، ۱۳۹۳، ص ۳۸). نکته مهم این است که هدایت در اندیشه سیاسی امام با انقلاب و انقلابی بودن پیوند اساسی خورده است. انقلابی که نام اسلام را دوباره به رخ جهانیان کشاند و خیزش جهانی مسلمانان را بر علیه سیطره‌جویی غرب با استفاده از غنی‌سازی ادبیات مبارزه و افزایش استنادات به شریعت و همچنین

موفقیت عملی با رژیم استبدادی و شکست جبهه استکبار را رقم زد (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰). از دیگر مفاهیمی که در کنش گفتاری امام خمینی مورد تأکید قرار گرفته، دولت اسلامی است. امام خمینی حضور مردم را از اصلی‌ترین شرایط تحقق دولت اسلامی می‌دانند و در این مورد می‌فرمایند: بحمدالله تاکنون هم با بهترین وجه این مطالب اسلامی یعنی، اساس حکومت اسلامی با بهترین وجه تحقق پیدا کرده و ملت خودش است که سرنوشت خودش را به دست دارد. این طور نیست که ملت ما از همه چیز بی‌خبر باشد و سرنوشتش را در کاخ سفید برایش طرح بکنند یا در کرملین. خود ملت است که با رأی خودش رئیس جمهور تعیین می‌کند. جمهوری اسلامی را رأی به آن می‌دهد و با رأی خودش که متمرکز است در مجلس، دولت را تعیین خواهد کرد و همه امور دست خود ملت است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۵۲). مفهوم دولت اسلامی آیت‌الله خمینی ادعا می‌کند که این مفهوم از نظر محرک سیاسی - اجتماعی و محتوای فکری، بین‌المللی بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و در یک اجتماع برزخی ظهور یافته و همه را تحت تأثیر قرار داده و بسیج کرده است (Matin, 2013, P.456).

۶-۱. تمدن نوین اسلامی

از دیگر مفاهیمی که با صراط انقلاب پیوند ناگسستنی دارد، مفهوم تمدن نوین اسلامی است. از نظر امام خمینی، این انقلاب مانند دیگر انقلاب‌های جهان، یک نظام سیاسی را ایجاد کرده است. اما آنچه آن را متفاوت نموده، انگیزه و هدفی است که منبعث از اصل توحید محوری است. حکومت موردنظر وی، مصداقی از معنویت گم شده در عصر جدید است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴). امام خمینی تمدن اسلامی را محدود به پیشرفت‌های مادی و دنیوی ندانسته، بلکه این تمدن را دارای روحی سرشار از ایمان و معنویت قلمداد می‌کنند. وی معتقد است تمدن غرب، اسلام را به طور کامل شناخته و آنان با توجه به درک ناقص خود، آن را تعریف می‌کنند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۳). لازم به ذکر است که امام خمینی درد جامعه امروز بشری را فقدان معنویت دانسته، و می‌فرمایند: «ما و ملت مفتخر است که پیرو مذهب است که می‌خواهد حقایق قرآنی را که سراسر آن از وحدت بین مسلمین، بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای، دست، قلب و عقل او پیچیده است، و او را به سوی فنا، نیستی و بردگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد» (خمینی، ۱۳۶۱، ص ۳). به هر حال ایدئولوژی جدیدی که توسط انقلاب اسلامی ایران در برابر ایدئولوژی سابق قرار گرفت، مدعی رهایی ملت از دست بیگانگان، یاری مظلومان و مبارزه با مستکبران، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان و...

را داشته و دارد. در آیه ۱۴۱ سوره نساء «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود)، هر طرح، عهدنامه، رفت‌وآمد و قراردادی که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند، حرام است. پس مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۹۱).

تمدن اسلامی از دیگر مفاهیمی است که در اندیشه سیاسی امام خمینی به عنوان یکی از نتایج مهم انقلاب اسلامی یاد می‌شود که دارای ظرفیتی فرامرزی بوده و به فعلیت رساندن وحدت جهان اسلام را هدف قرار داده است که البته رسیدن به آن، موانع و الزامات خاصی دارد. امام خمینی از الزامات این راه را اسلام و قوانین آن دانسته که بنیانگذار یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بشری بوده و در این باره می‌فرماید: اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به هیچ وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفتی نداشته و ندارد. اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد. ما امیدواریم که با پیروزی خود، این مطلب را به جهان ثابت کنیم. ما با حفظ استقلال با تمام کشورها روابط دوستانه خواهیم داشت (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۴۲).

باید به این نکته توجه داشت که ایران پس از انقلاب، تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک مهمی را همراه با پیامدهای حقوقی، مادی، فکری و نهادی پشت سر گذاشته است. بسیاری از سازمان‌ها، شیوه‌های زندگی و تفکر، عوامل تولیدی و روابط انسانی ماقبل انقلاب دچار تحول شده‌اند. در واقع، برخی از آنها از میان رفته و جای خود را به مواردی کاملاً جدید داده‌اند. اگرچه در تصور اسلامی عواملی چون پویایی‌های انقلاب، جنگ، سیاست مخالفان، ناتوانی در فرمول‌بندی یک راهبرد منسجم توسعه و مداخلات امپریالیستی، سیاست‌های آن را محدود نموده است (امیراحمدی و پروین، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

۶-۲. اقتصاد

از دیگر مؤلفه‌هایی که می‌تواند انقلاب و صراط مستقیم آن را تحت تأثیر قرار دهد و دشمنان سال‌ها بر روی آن تمرکز نموده‌اند، اقتصاد است. امام خمینی نگاهی فرصت‌طلبانه به تحریم‌های اقتصادی داشتند و در این باره می‌فرماید: ... و همین تحریم اقتصادی برای شما یک تحفه آسمانی بود که فکرهای متفکران ما را به راه انداخت و بحمدالله رو به خودکفایی می‌روند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۷۶).

باید به این نکته توجه داشت که تحریم‌های اقتصادی سابقه‌ای به میزان ۲۵۰۰ سال دارند و اولین بار در سال ۴۲۳ قبل از میلاد بکار گرفته شده‌اند. در زمان حاضر از این حربه به عنوان ابزاری سیاسی برای

تأثیر بر ملت‌ها و دولت‌ها استفاده می‌شود (Kozhanov, 2011, P.144).

در تاریخ معاصر کشور، از زمان ملی شدن صنعت نفت به طور خاص، کشور مورد تحریم‌های اقتصادی توسط انگلستان قرار گرفت. وابستگی به درآمدهای رانتیری، تک محصولی بودن، صدور مواد اولیه و خام، دولتی بودن اقتصاد و نبود فضای رقابتی کافی موجب شده دشمنان انقلاب طی زمان طولانی از این پاشنه آشیل استفاده کرده و مشکلات اقتصادی را بر سر راه دولت و ملت ایجاد کنند. این مشکلات می‌تواند سلامت جمعیت‌های آسیب‌پذیر، از جمله بیماران را به طرق مختلف به خطر بیندازد (Aloosh, 2018, P.335). امری که از نظر تمدن غربی کاملاً عادی تلقی می‌شود.

از تعبیری که آقای برزگر در کتاب خویش در کلیدواژه‌های امام خمینی بکار برده‌اند، قدم یا گام می‌باشد که توسط امام خمینی با هدف خاصی طرح گردیده است. در واقع قدم، کوچک‌ترین واحد رفتن در راه و مسیر هست که یکی از کلمات کلیدی در نوشتار و گفتار امام می‌باشد و به هزاران بهانه و مناسبت و مقصد تجلی عینی یافته است. امام خمینی از پیروزی انقلاب به مثابه یک قدم یا قدم اول یاد کرده و سپس از سازندگی کشور به مثابه قدم دیگر نام می‌برد (برزگر، ۱۳۹۳، ص ۱۷۴). باید بر این امر تأکید داشت که اروپا و آمریکا در برابر انقلاب اسلامی ایران دارای ارزش‌های مشترک و هدف‌های یکسانی هستند (Hooglund, 2002, P.143). ایالات متحده اجازه داد تا شاه ایران به این کشور پناهنده شود (Çetin & Gazi, 2018, P.39) و با مذاکره با عناصر میانه‌رو دولت موقت تلاش داشت تا حضور خود را در ایران ادامه دهد، اما تسخیر لانه جاسوسی که بوسیله امام خمینی به انقلاب دوم تعبیر شد و استعفای دولت موقت را در پی داشت، تقابل با انقلاب اسلامی آغاز شد. امام خمینی درباره مبارزه هویتی انقلاب اسلامی با غرب می‌فرمایند: امروز دنیای استکبار خصوصاً غرب خطر رشد اسلام ناب محمدی (ص) را علیه منافع نامشروع خود درک کرده است. امروز غرب و شرق به خوبی می‌دانند که تنها نیرویی که می‌تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۲۶). البته غرب هنوز در پی آن است تا بدانند اسلام کدام یک از کشورهای اسلامی مانند پاکستان، عربستان و ایران با مبانی ارزشی غربی منافات ندارد و می‌تواند انتظارات غرب را برآورده کند؟ به همین دلیل آنها معتقدند که غرب باید به سمت تقویت اسلام‌هایی برود که این مهم را تأمین کند و در این راه هژمونی و سلطه نظامی کارآیی قبل را ندارد، بلکه باید به تقویت جریان‌های اجتماعی و روشنفکری متناسب با ارزش‌های غربی پرداخت (Sayeed, 1995, P.155). به هر حال خاورمیانه فعلی، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، به داشتن انواع روش‌ها و دیدگاه‌های بسیار قوی ضد آمریکایی شهرت دارد. این

دیدگاه‌ها برگرفته از مبانی انقلاب اسلامی است که بر مبارزه با استکبار جهانی حکایت دارد.

۷. نتیجه‌گیری

در نیمه دوم قرن بیستم گرایش به متون و نقش آنها در اندیشه سیاسی فزونی یافت و کاربرد زبان در وجه کاربردی آن مورد توجه قرار گرفت. در واقع در بسیاری از موارد واژگان مشابه برای اقدامات عملی متفاوت بکار گرفته می‌شوند. از مهم‌ترین نویسندگانی این حوزه ویتگنشتاین متأخر بوده که معتقد است کاربرد زبان یک اصطلاحی است که با شرایط خاص و محیطی که در آن گفته یا نوشته می‌شود، ارتباط دارد. جان آستین و اسکینر از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی هستند که در این حوزه دست به قلم برده‌اند تا از طریق متون به مقصد و نیت مؤلف پی ببرند. ابراهیم برزگر در کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی، سیاست به‌مثابه صراط، به بررسی کنش‌گفتاری امام خمینی پرداخته و ابعاد شکل‌گیری و نتایج کنش‌گفتاری ایشان را با توجه متون مرتبط با وی آشکار نموده‌اند.

در این پژوهش صراط مستقیم با انقلاب پیوند خورده است و نظریه‌های امام خمینی به عنوان چراغ هدایت این راه شناخته می‌شوند. اندیشه سیاسی امام خمینی با توجه به زمینه‌های سیاسی و با کنش‌گفتاری خاص ایشان، طی مراحل مختلف و با موضع‌گیری‌های متناسب با زمینه‌های بیرونی تدوین، طرح‌ریزی و با هدف ایجاد تغییر در جهتی خاص، ارائه گردید. اولین زمزمه‌های این تلاش را در نگارش کتاب کشف اسرار می‌توان دید. در این کتاب امام خمینی نسبت به وضع موجود معترض بوده و خواهان اصلاح ساختار حاکمیت و قوانین جامعه با تأکید بر قوانین اسلامی و دینی هستند. کنش‌گفتاری امام خمینی به تدریج از اصلاح به سمت و سوی انقلاب و تغییر بنیادین تغییر می‌یابد. بر طبق کتاب سیاست به‌مثابه صراط، امام خمینی زبان و ساختار محتوای تفکر خویش را از زبان دینی و عرفانی‌اخذ و با هدف ایجاد تغییر در عرصه عمل طرح می‌نمایند. تلاش‌های امام خمینی، گفتار و نوشتار ایشان در عرصه عمل، نتیجه می‌دهند و انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد. کنش‌گفتاری ایشان پس از پیروزی انقلاب در جهت تثبیت نظام بکار گرفته می‌شود.

— منابع —

قرآن کریم.

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۷). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران. تهران: سمت.
۲. امیراحمدی، هوشنگ؛ پروین، منوچهر (۱۳۸۱). ایران پس از انقلاب. ترجمه علی مرشدی‌زاده. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). اندیشه سیاسی امام خمینی؛ سیاست به مثابه صراط. تهران: انتشارات سمت.
۴. بصیری، محمدعلی؛ افشاری، عبدالرحمن؛ نجفی، داوود (۱۳۹۵). اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران. سیاست، ۳(۱۱).
۵. بهروزلک، غلامرضا (۱۳۷۴). جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. پارسانیا، حمید (۱۳۸۰). حدیث پیمانه. قم: نشر معارف.
۷. پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی براساس شعارهای انقلاب. علوم اجتماعی، ۱۱-۱۲.
۸. تقی‌لو، فرامرز (۱۳۹۴). مشروطیت و جمهوری اسلامی: نظریه سیاسی شیعه در گذار از تقابل سنت و تجدد. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۴(۱۶).
۹. جمشیدی، محمدحسن (۱۳۹۱). اندیشه سیاسی امام خمینی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۰. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳، ۱۶، ۲۱، ۱.
۱۱. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله. قم: دارالکتب العلمیه اسماعیلیان نجفی، الطبعة الثانية.
۱۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی. تهران: چاپ و نشر عروج، دفتر چهل و پنجم.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). وصیت‌نامه سیاسی - الهی.
۱۴. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. رضایی پناه، امیر؛ ایزدی، رجب (۱۳۹۲). ریشه‌یابی گفتمان پهلوی یکم در آرای متجددین عصر مشروطه. جستارهای تاریخی، ۴(۴).
۱۶. روحی، مهدی (۱۳۹۳). نقش مذهب در انقلاب اسلامی ایران. فرهنگ پژوهش، شماره ۱۸.
۱۷. سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، آنتونی (۱۳۷۳). خاطرات دو سفیر. ترجمه محمود طلوعی. تهران: علم.
۱۸. سید باقری، کاظم (۱۳۹۶). انقلاب اسلامی و تحول در فقه سیاسی شیعه. فقه حکومتی، ۳، ص ۷۵-۱۰۰.
۱۹. شمیم، علی اصغر (۱۳۸۴). ایران در دوره سلطنت قاجار؛ قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم. تهران: زریاب.
۲۰. صیدانلو، امین (۱۳۹۶). نسبت‌یابی دین و سیاست در اندیشه سیاسی عبدالکریم سروش براساس روش‌شناسی کوئنتن اسکینر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲۱. طاهری، مهدی؛ حکمی شلمزاری، رسول (۱۳۹۶). سیر تحول و تکامل فقه سیاسی در ادوار تطور فقه سیاسی شیعه. حکومت اسلامی، ۲۱(۴).
۲۲. عزتی، ابوالفضل (۱۳۷۴). اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی. تهران: هدی.
۲۳. فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.

۲۴. فوزی، یحیی؛ صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۳(۹)، ص ۴۰-۴۷.
۲۵. قرآنی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ج ۲.
۲۶. الگار، حامد (۱۳۵۹). نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
۲۷. محمدی، منوچهر (۱۳۹۷). *دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای، جهانی و تاریخی*. قم: نشر معارف.
۲۸. نامخواه، مجتبی (۱۳۹۴). نظریه انقلاب امام خمینی. *اندیشه سیاسی در اسلام*، ۵.
۲۹. هرسیج، حسین؛ حسینی، سیده مطهره (۱۳۸۸). شکل‌گیری جریان سیاسی چپ در دهه اول پس از انقلاب اسلامی. *سیاست*، ۳۹(۳).
۳۰. هیکل، محمد (۱۳۶۲). *ایران روایتی که ناگفته ماند*. ترجمه حمید احمدی. تهران: چاپ کوروش.
31. Algar, H. (1983). **The roots of the Islamic revolution**. London: Open Press.
32. Aloosh, M. (2018). How economic sanctions compromise cancer care in Iran. *The Lancet Oncology*, 19(7), e334.
33. Austin, J.L. (1975). **How to do things with words**. Oxford university press. Vol. 88.
34. Ayubi, N. (2003). **Political Islam: religion and politics in the Arab world**. Routledge.
35. Çetin, M. & Gazi, M.A. (2018). Investigation of anti-American propaganda announcements in the Iranian revolution, considering the fundamental opposition of LÉVÍ-STRAUSS. *International Journal of Social Science*, 1(3), P.31-51.
36. David, M.K. (2014). Language, power and manipulation: the use of rhetoric in maintaining political influence. *Frontiers of Language and Teaching*, 5(1), P.164-170.
37. Foran, J. (2005). **Taking power: On the origins of third world revolutions**. Cambridge University Press.
38. Gadamer, H.G.; Weinsheimer, J. & Marshall, D.G. (2004). **EPZ truth and method**. Bloomsbury Publishing USA.
39. Hamzeh, A.N. (1993). Lebanon's Hizbullah: From Islamic revolution to parliamentary accommodation. *Third World Quarterly*, 14(2), P.321-337.
40. Hooglund, E. (Ed.). (2002). **Twenty years of Islamic revolution: Political and social transition in Iran since 1979**. Syracuse University Press.
41. Keddie, N.R. & Richard, Y. (2006). **Modern Iran: Roots and results of revolution**. Yale University Press.
42. Kozhanov, N.A. (2011). US economic sanctions against Iran: Undermined by external factors. *Middle East Policy*, 18(3), P.144.
43. Ledeen, M.A. & Lewis, W.H. (1980). Carter and the fall of the Shah: The inside story. *Washington Quarterly*, 3(2), P.3-40.
44. Lewis, B. (2018). **The political language of Islam**. University of Chicago Press.
45. Matin, K. (2013). International relations in the making of political Islam: interrogating Khomeini's 'Islamic government'. *Journal of International Relations and Development*, 16(4), P.455-482.
46. Murray, D. (2009). **US foreign policy and Iran: American-Iranian relations since the Islamic revolution**. Routledge.
47. Sayeed, K.B. (1995). **Western dominance and political Islam: Challenge and response**. SUNY Press.

48. Searle, J.R. & Searle, J.R. (1969). **Speech acts: An essay in the philosophy of language**. Cambridge university press. Vol.626.
49. Skinner, Q. (2002). **Visions of Politics: Regarding Method**. Cambridge: Cambridge University Press. Vol.1. DOI: 10.1017/CBO9780511790812.
50. Skinner, Q. (2004). **The foundations of modern political thought: the age of reformation**. United kingdom: Cambridge University Press. Vol.2.
51. Wittgenstein, L. & Santos, L.H.L. (1994). **Tractatus logico-philosophicus**. Edusp.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2021.9056.1053

جمشیدی‌مهر، پرویز؛ عبدی‌پور، نصیبه (۱۴۰۰). تحلیل مفهوم هنجار انقلاب اسلامی؛ از تکوین تا تثبیت. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۳، ص ۴۱-۶۰.